

حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیسیت شهری (مورد مطالعه: جعفرآباد - کرمانشاه)

اسداله نقدی^۱: دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
صادق زارع: کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

چکیده

طی چند دهه اخیر شهرنشینی در ایران از رشد شتابانی برخوردار بوده است. یکی از پیامدهای این رشد شتابان، شکل‌گیری حاشیه‌ها و محلات اسکان غیررسمی در اطراف شهرها است. در شهر کرمانشاه نیز طی دوره مذکور نرخ رشد شهری انفجاری رخ داده و مهاجران زیادی در حاشیه‌های این شهر بویژه در بزرگترین حاشیه آن یعنی جعفرآباد مستقر شده‌اند، از یکسو نسبت قابل توجه جمعیت این حاشیه و از سوی دیگر بافت اجتماعی و اقتصادی آن، مطالعه روی این محله را ضروری می‌نماید. در اینجا موضوعاتی همچون علل مهاجرت، دوره زمانی و منشأ جغرافیایی مهاجران، وضعیت تحصیلات، آرزوها و مشکلات در حاشیه‌ها، وضعیت اقتصادی خانوار و کم و کیف مسکن، بُعد خانوار، تعلق شهروندی، آسیب‌های اجتماعی، رضایت از زندگی در شهر و بطور کلی سیمای اجتماعی - اقتصادی حاشیه جعفرآباد، بررسی شده است. روش مطالعه حاضر پیمایشی مبتنی بر «پرسشنامه محقق ساخته» با حجم نمونه شامل ۳۷۴ نفر از حاشیه‌نشینان جعفرآباد کرمانشاه می‌باشد که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها بیانگر آن است که بیش از هفتاد درصد سکنه در خانه‌های با بیش از ۵ نفر زندگی می‌کنند. نزدیک به تمامی (۹۷ درصد) خانه‌ها به صورت قولنامه‌ای تملک شده‌اند. برخورداری از آب، گاز و برق بسیار بالاست. نرخ بیکاری بالا و ناپایداری شغلی به همراه تنوع مشاغل کارگری ویژگی بارز ساکنان است. عمده اندک درآمد خانوارها صرف خوراک و پوشاک می‌شود (۸۹ درصد) و هزینه‌های دیگر مانند درمان ناچیز است. اغلب وضعیت پس از مهاجرت را بهتر ارزیابی کرده‌اند. علل اقتصادی مهاجرت در رتبه اول مطرح است. شبکه اجتماعی و مهاجرت تبعی بسیار مؤثر بوده است. رضایت از خدمات شهری و سازمان‌های متولی متوسط است. نرخ آسیب‌های اجتماعی بالاست و میزان تعلق شهروندی به نسبت سایر شهرها بالاتر، و تمایل به مشارکت در امور شهر و محله نیز بیشتر است. بر اساس یافته‌های استنباطی تحقیق نیز بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی همبستگی منفی و ضعیفی وجود داشت اما معنی‌دار نبود. مسن‌ترها رضایت بیشتری از عملکرد نهادهای و مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به جوان‌ترها داشته‌اند. همچنین بین زنان و مردان در نمونه مورد بررسی از لحاظ نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت اما نگرش به وجود آسیب اجتماعی بر حسب سطح تحصیلات تفاوت وجود داشت یعنی پاسخگویانی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند نگرش آنها به وجود آسیب‌های اجتماعی متفاوت از کسانی است که دارای سطح تحصیلات پایین‌تری هستند.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشینی، مسائل شهری، مسائل اجتماعی مهاجران، جعفرآباد کرمانشاه.

^۱. نویسنده مسئول: anaghdi@basu.ac.ir، ۰۸۱۱۸۲۷۱۰۷۵

بیان مسأله :

یکی از پدیده‌های همزاد شهرنشینی شتابان، رشد و گسترش حاشیه‌نشینی بوده است که به صورت قارچ‌گونه در اطراف شهرهای بزرگ تکثیر یافته است (نقدی، ۱۳۸۶: ۹). هرچند پرداختن به حاشیه‌نشینی در سنت جامعه‌شناسی غرب به ظهور مکتب شیکاگو در اوائل قرن بیستم بر می‌گردد و حتی پیش از آن نزد ابن خلدون بصورت گذرا به بحث مهاجرت روستائیان و عدم توان سکونت در متن اصلی شهر و رانده شدن به حاشیه اشاره شده است، اما پس از انقلاب صنعتی و به تبع آن انفجار شهرهای دنیای مدرن است که این موضوع تبدیل به مسئله اجتماعی شد (همان). در واقع انقلاب صنعتی سبب هجوم مهاجران و تازه‌واردان به نقاط شهری و پیشی گرفتن رشد سکنه نقاط شهری بر رشد امکانات و فرصت‌ها و در نتیجه منجر به انفجار شهری در جهان گردید و بخشی از این جمعیت شهری نتوانستند استانداردهای لازم برای یک زندگی شهری را تأمین کنند. این گروه با هجوم به حومه‌ها زمینه گسترش حاشیه‌نشینی را فراهم ساختند و آن را تبدیل به معضلی برای همه شهرهای جهان نمودند. تا جایی که امروز بر اساس آمارهای اسکان بشر سازمان ملل متحد حدود یک میلیارد از ساکنان شهری در حاشیه و زاغه زندگی می‌کنند (Habitat, 2009; Martinez & et al, 2008; نقدی، ۱۳۸۶: ۱) و پیش‌بینی می‌شود که در ۳۰ سال آینده تعداد حاشیه‌نشینان جهان به ۲ میلیارد نفر برسد (Habitat, 2003). البته سرعت این تحولات جمعیتی که پیامد آن گسترش حاشیه‌نشینی است در کشورهای کمتر توسعه‌یافته بسیار شتابان است چراکه رشد شهری در کشورهای در حال توسعه همراه بوده با افزایش تعداد سکنه ساکن در نقاط که فاقد شرایط استاندارد و در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند (Chowdhury & et al, 2006).

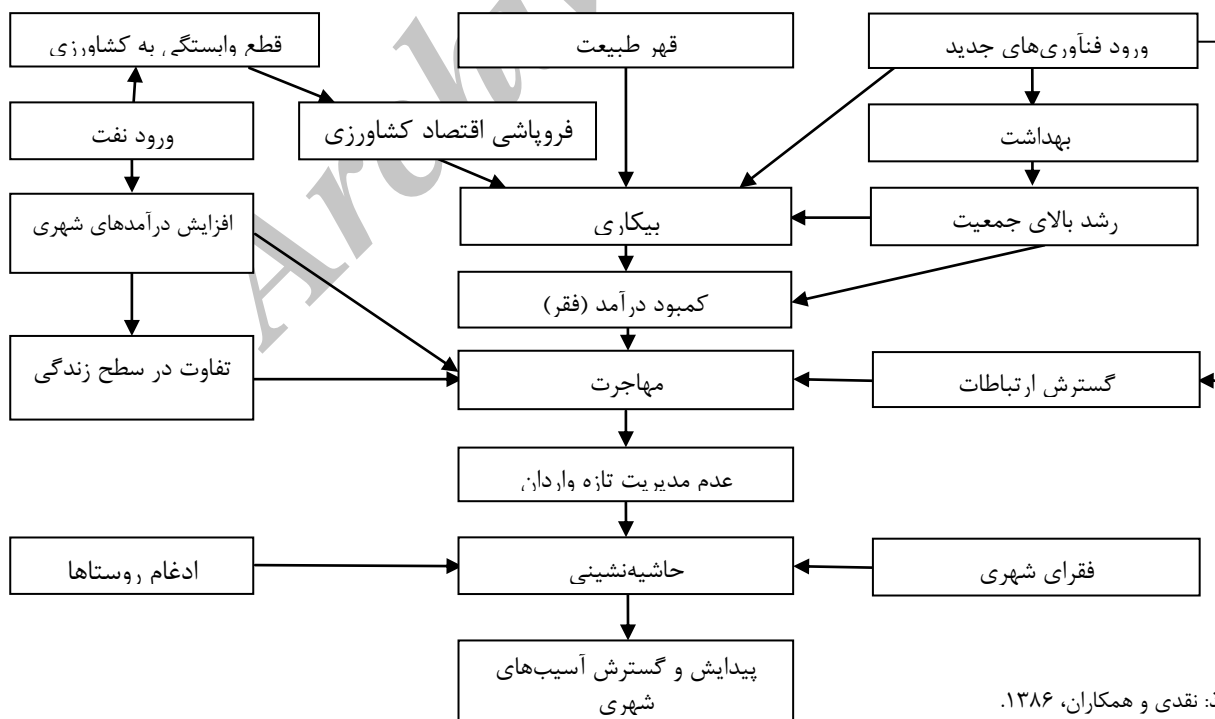
در این گونه کشورها همچنین گذار جمعیتی در زمان بسیار کوتاه‌تر از کشورهای توسعه‌یافته صورت گرفت و منجر به گسترش میزان شهرنشینی در جوامع یاد شده در دهه‌های میانی قرن بیستم گردید. بر خلاف جوامع صنعتی که آمادگی تقریبی برای پذیرش مهاجران به دلیل وقوع انقلاب صنعتی وجود داشت، در این کشورها انتقال جمعیت نقاط روستائی به مراکز شهری بیشتر برای فرار از محدودیت‌های اقتصادی و اجتماعی و طبیعی جوامع روستائی صورت گرفت و شهرهای جهان سومی آمادگی پذیرش این حجم عظیم از میهمانان ناخوانده را نداشت. یکی از پیامدهای چنین الگوی رشدی شهری پیدایش زاغه‌ها و ناکجاآبادهای بسیاری در حاشیه اغلب شهرها بخصوص پایتخت و تعداد انگشت شماری مراکز و قطب‌های رشد بود. علاوه بر حرکات و ساخت جمعیت یکی دیگر از دلایل گسترش حاشیه‌نشینی در چند دهه گذشته در کشورهای جهان سوم از جمله ایران ناشی از عدم آمایش سرزمینی منابع و امکانات و جمعیت در پهنه جغرافیائی و تمرکزگرایی شدید بوده است (مدل شماره ۱). در طول تاریخ در ایران نوعی وابستگی متقابل بین شهر و روستا وجود داشته اما در دهه‌های آغازین قرن حاضر شمسی به دلیل اجرای برنامه‌های توسعه و نوسازی که عمدتاً شهرگرا بودند و همزمان با ورود ایران به اقتصاد جهانی موضوع اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی نمود بیرونی جدی پیدا کرد و تاکنون در طی چند مرحله تبدیل به یکی از مشغله‌های علوم اجتماعی شده است. در ایران پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته، پدیده حاشیه‌نشینی بوجود آمد و رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ به بعد شدت یافت (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۲). نخستین اشکال حاشیه‌نشینی در تهران ظاهر شد اما تنها به مرکز محدود نماند و سایر شهرها نیز به فراخور تغییرات اقتصادی و اجتماعی درگیر ظهور حاشیه‌نشینی شدند بطوری‌که امروزه در همه شهرهای ایران ما شاهد چنین الگوی سکونتی هستیم. یکی از این شهرها، شهر کرمانشاه در غرب ایران است که یکی از سریع‌ترین رشدهای شهری را طی دهه‌های گذشته تجربه کرده است بطوریکه از ۲۶/۳ در سال ۱۳۳۵ به ۶۷ (رقم مطلق جمعیت شهر نیز از ۱۲۵۴۳۹ نفر در ۱۳۳۵ به ۷۹۴۸۶۳) در سال ۱۳۸۵ رسیده است و در حال حاضر نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت را در خود جای داده است و به همین دلیل عضو باشگاه کلان شهرهای ایران است (جدول شماره ۱).

جدول ۱- تحولات شهرنشینی استان کرمانشاه طی ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

سال	میزان شهرنشینی (درصد)
۱۳۳۵	۲۶/۳
۱۳۶۵	۳۵
۱۳۷۵	۶۲
۱۳۸۵	۶۷

یکی از پیامدهای این رشد سریع، ظهور حاشیه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف شهر است. جمعیت حاشیه‌نشینان شهر کرمانشاه بنا به آمار دفتر امور اجتماعی وزارت کشور حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۱ بوده است (افتخاری راد، ۱۳۸۲: ۶۸). روند رو به افزایش نسبت جمعیت نواحی حاشیه شهر سبب شده تعداد حاشیه‌نشینان به حدود ۲۲۵۰۹۷ نفر حدود ۲۵ درصد جمعیت شهری برسد (سقائی، ۱۳۸۸). در بین مناطق حاشیه شهر^۱، جعفرآباد بزرگترین و مسئله‌دارترین حاشیه کرمانشاه می‌باشد که دارای جمعیتی حدود ۶۰ هزار نفر و محدوده‌ای به مساحت ۱۰۵ هکتار مجاور محله‌های مرکزی و قدیمی شهر واقع است. چهارراه جعفرآباد به چهارراه رشید و از آن طریق به بازار و میدان قدیمی وزیری متصل است (خاتم، ۱۳۸۱: ۳۶). این منطقه علاوه بر داشتن جمعیت قابل ملاحظه، دارای ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص می‌باشد. کمبود امکانات اساسی همچون بهداشت، نبود سیستم سرمایشی و گرمایشی، آب آشامیدنی سالم، کمبود شدید خدمات آموزشی، ورزشی، تفریحی و فرهنگی از ویژگی‌های بارز محله جعفرآباد می‌باشد. وجود خانه‌های متراکم و با متراژهای پائین، مسکن نابهنجار و بطور کلی کالبد نامناسب محله سبب بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از قبیل دزدی، قاچاق مواد مخدر و مشروبات، فساد و فحشا و ... در محله شده است. مطالعه مسائل آن می‌تواند به مدیریت یکی از بزرگترین حاشیه‌های کشور که خود در حد یک شهر کوچک جمعیت دارد کمک نماید. بنابراین با توجه به آنچه در بالا بیان گردید این مقاله وضعیت مسکن، وضعیت اقتصادی، الگوی مهاجرتی، تعلق و مشارکت، آمال و آرزوها، مسائل و مشکلات محله، شبکه اجتماعی مهاجران، و آسیب‌های اجتماعی محله جعفرآباد کرمانشاه بررسی می‌کند. همچنین به اثبات و رد فرضیه‌های تحقیق می‌پردازد.

شکل ۱- پیدایش و شکل‌گیری مهاجرت و حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران



مأخذ: نقدی و همکاران، ۱۳۸۶.

۱. سایر محلات حاشیه شهر عبارتند از: محلات نوکان، باغ ابریشم، چقاگلان، چقاکبود، حکمت آباد، شاطرآباد، آناهیتا، شهرک صادقیه، دولت آباد، چمن و دره دراز، دیزل.

پیشینه تحقیق :

در بین مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه حاشیه‌نشینی می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

ربانی (۱۳۸۱) در یک پژوهش میدانی به بررسی حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری در منطقه ارزنان اصفهان - پرداختند. هدف از این بررسی مورد مطالعه قرار دادن دو عامل حاشیه‌نشینی و مشارکت که نقشی کلیدی در ایجاد، تداوم، گستره و ویژگی‌های مسائل اجتماعی شهری دارند، بوده است. یافته‌های این بررسی نشان داده که مشارکت اجتماعی بین ساکنان محله بسیار اندک بوده (۲ درصد) و ۹۸ درصد پاسخگویان در هیچ‌گونه فعالیت دسته‌جمعی و گروهی شرکت نداشته‌اند؛ بیش از ۸۰ درصد حاشیه‌نشین‌ها به طریقی با ناهنجاری‌ها از جمله پدیده قاچاق مواد مخدر، خشونت‌های جنسی و غیره سر و کار داشته‌اند و همچنین بیکاری و فقر فرهنگی-آموزشی منطقه موجب آپاندیس ناهنجاری برای شهر اصفهان شده است.

شیخی (۱۳۸۱) در مناطق حاشیه‌نشین اسلام‌شهر، اکبرآباد (نسیم شهر) سلطان‌آباد (گلستان) به بررسی برخی مشخصه‌های اجتماعی-فرهنگی در سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین از قبیل خاستگاه جمعیت و ترکیب قومی و فرهنگی حاشیه‌نشینان، پیوندها و ارتباطات اجتماعی، الگوی رفتار اجتماعی، مشارکت حاشیه‌نشینان می‌پردازد. یافته‌های این بررسی نشان داد که مشارکت اجتماعی و ارتباطات همسایگی در مراحل اولیه بالاست اما در مراحل بعدی رشد، روابط همسایگی و مشارکت نسبتاً کاهش یافته است. همچنین بر اساس یافته‌های این پژوهش قلمروی ذهنی ساکنان از محیط سکونت خود، بسیار محدود بوده و در واحدهای همسایگی متوقف می‌شود.

عریضی و همکاران (۱۳۸۳) نیز در یک مطالعه میدانی به بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی-فرهنگی (مطالعه موردی مناطق ارزنان و دارک اصفهان) پرداختند. در فرضیات این بررسی متغیرهای حاشیه‌نشینی و شغل قبلی به عنوان متغیرهای مستقل و مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، انحرافات، بیکاری و کار کردن به عنوان متغیرهای وابسته مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق بیانگر وجود رابطه حاشیه‌نشینی با مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، انحرافات، بیکاری و شغل قبلی بوده است.

نقدی (۱۳۸۴) در تحقیقی به بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی و مسائل آن در شهر همدان می‌پردازد و این مسائل را در سه دسته: ۱- مسائل اقتصادی، شامل مسکن، شغل، درآمد، بیکاری و سایر مسائل مربوطه ۲- مسائل فرهنگی-اجتماعی، مشتمل بر انحرافات اجتماعی، عدم مشارکت و نداشتن روحیه شهروندی، متغیرهای فرهنگی، وندالیسم، فقر و ... ۳- مسائل کالبدی و زیرساختی ترسیم نموده است. در این تحقیق مشکلات زنان و دختران حاشیه‌نشین، آسیب‌های اجتماعی خاص زنان، رفتارهای باروری زنان و رضایت و آرزوهای زنان حاشیه‌نشین نیز به عنوان بخشی از تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

احمدی و ایمان (۱۳۸۴) در مطالعه‌ای به بررسی فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پاله شیراز پرداختند. این مطالعه که با هدف بررسی تأثیر شاخص‌های فرهنگ فقر بر گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه انجام گرفته، از روش «پیمایشی» استفاده نموده که با شیوه «خودگزارشی» اطلاعات مورد نیاز در مورد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان، مؤلفه‌های فرهنگ فقر و گرایش جوانان به رفتار بزهکارانه را جمع‌آوری نموده است. یافته‌های این تحقیق بیانگر رابطه معنی‌داری (حدود ۹۹ درصد) بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر نظیر عدم تمایل به پس‌انداز، احساس سرشکستگی و میل به انزوا و کمبود حمایت خانواده را با گرایش به رفتار بزهکارانه و تعامل بین حاشیه‌نشینی و مؤلفه‌های فرهنگ فقر در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان می‌باشد.

زاهد زاهدانی و آذرگون (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی تطبیقی تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر آن در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال مناطق یک و پنج شهر شیراز پرداخته‌اند. در این بررسی نحوه همسرگزینی، خانواده‌گرایی، مردسالاری و دین‌محوری چهار شاخص فرهنگی بوده که تفاوت‌های آنان به عنوان تفاوت‌های فرهنگی بین حاشیه‌نشینان و غیرحاشیه‌نشینان مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که متغیرهای شغل مادر، شغل پدر، استفاده از رسانه، بعد خانوار، تحصیلات فرد و تحصیلات مادر در گروه غیرحاشیه‌نشین و متغیرهای استفاده از رسانه، شغل پدر، بعد خانوار و تحصیلات فرد برای کل نمونه، مهمترین متغیرهایی هستند که تغییرات فرهنگ را در

این پژوهش تبیین می‌کند. این متغیرها برای گروه غیرحاشیه‌نشین ۷۰ درصد، برای گروه حاشیه‌نشین ۶۱ درصد و برای کل نمونه ۷۸ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند.

الدینگ^۱ و نورث^۲ (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه‌نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آنها در اروپای غربی پرداخته‌اند. این تحقیق بیان می‌کند که جوانان مهاجر حاشیه‌نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در معرض خطر هستند. همچنین مشکلات و مسائل خانواده‌های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهماهنگی فرهنگی می‌شوند (زاهد زاهدانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۲ به نقل از Aldering & et al, 2007).

ادبیات نظری :

پدیده حاشیه‌نشینی در حوزه‌های مختلف و مکاتب گوناگون در علوم اجتماعی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری از زوایای متفاوتی مورد مطالعه قرار گرفته است. بطور کلی برای تبیین این پدیده می‌توان نظریات ذیل را بیان نمود:

در نگاه وابستگی الگوی توسعه ای وابسته و برون‌زا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون را به دنبال دارد که به موازات رشد نامتعادل، نابرابری درآمدها افزایش می‌یابد و عدم تعادل‌های ساختاری جامعه شدت می‌یابد و برآیند عملکرد توسعه ای وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه‌های حاشیه‌نشین شهری است. گوندر فرانک از متفکران نامی وابستگی درباره حاشیه‌نشینان می‌گوید: جمعیت‌های شناور در شهرها، از جمله روستائیان تهی دست مهاجر ساختار، روابط و کارکردهای اجتماعی متضادی در شهرها پدید آورده‌اند. این مهاجرین در جامعه شهری جذب و ادغام نشده‌اند و در فضاهایی زندگی می‌کنند که فاقد ساختار سکونتی متعارف می‌باشد. اینان بر روی زمین دیگران، با خودپاری و خودسازی، سکونتگاه‌های نامتعارف و محقر شهری را پدید می‌آورند که در عین حال مأمونی هم برای مهاجران تازه وارد است (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴-۱۸۹).

«مایکل هرینگتون» در کتاب خود «آمریکای دیگر»، به بررسی ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محلات فقیرنشین آمریکا می‌پردازد. هرینگتون در این کتاب جامعه فقیر آمریکا را بصورت «آمریکایی دیگر» که در درون جامعه بزرگتر آمریکا زندگی می‌کنند، توصیف می‌کند. به زعم وی در تمام کوی‌های فقیرنشین همه علیه «قوای نظم و قانون» متحد شده‌اند. در اینجا اگر به کسی نزدیک شوید و نشانی کسی را بخواهید هیچکس اطلاعی از او ندارد. از نظر او، بیگانه، یا مأمور مالیات و یا مأمور تحقیق است (هرینگتون، ۲۵۳۶: ۲۴-۱۶). از نظر هرینگتون مردم در آمریکای دیگر مردمی هستند ناامید و درمانده و بی‌اعتنا، و در عین حال آماده انفجار؛ مردمی هستند تنها و منزوی و اغلب خشک و دارای احساس خصمانه. به نظر وی فقیر بودن تنها به معنای محرومیت از وسایل مادی زندگی نیست بلکه به معنای ورود به جهانی «تقدیری» و عبث است. از دیگر خصوصیات مردمان «آمریکای دیگر» بهم ریختگی زندگی خانوادگی، نگرانی‌های کاری و مالی، بیماری عضوی و غیره می‌باشد. محله فقیرنشین با زندگی پرهیاهو و متراکم خود مدام چون پتک وجود فرد را به زیر ضربه می‌گیرد و وقوف بر فقری که گریبانگیر شده است شخصیت و روح فرد را می‌فرساید؛ چنان است که گویی افراد همگام با ساختمان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند به ویرانی می‌گرایند. در محله فقیرنشین خشونت و آشوبگری اغلب از موازین حقایق روزمره زندگی است. اگر از درون آمریکای دیگر بر این امر بنگریم پیوستن به یک دار و دسته آشوبگر ممکن است انحراف بنظر نیاید و ضرورتی باشد برای مقابله با دنیای متخاصم. به هم‌ریختگی زندگی زناشویی، میخوارگی و ظهور جرم و جنایت در محلی که زمانی از رفاه بهره‌مند بوده، خشک و ظنین بودن، تصور و برداشتی قدری از زندگی داشتن، از پیش طرح و نقشه‌ایی برای زندگی نریختن، دستخوش افسردگی بودن، احساس بی‌پهودگی، وجود و فقدان علقه و بی‌کسی و تنهایی کردن و به دیگران اعتماد نداشتن همه از وجوه مستمر زندگی روزمره «آمریکای دیگر» ند. به زعم هرینگتون اینان نه از آموزش درست بهره‌مندند و نه از کار و کسب مناسب (همان: ۱۷۷-۱۵۷).

۱- Eldering

۲- Knorth

یکی از تئوری‌های مهم برای مطالعه رفتار در جوامع سنتی و فقیر مانند حاشیه‌های شهری، تئوری فرهنگ فقر است. از نظر اسکار لوئیس شرکت نکردن افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی، پائین بودن سطح سواد، پائین بودن سطح خواسته‌ها و ... برخی از ویژگی‌های فرهنگ فقر می‌باشد. فرهنگ فقر در سطح اجتماعات محلی و کوچک از نظر لوئیس بصورت خانه‌های خراب، ازدحام، درهم‌جوشی مردم، نبودن تشکیلات و سازمان‌هایی که دامنه گسترش و نفوذشان به ورای محدوده خانواده برسد، مجسم می‌شود. البته وی بیان می‌کند که گاهی در محلات فقیرنشین دسته‌بندی‌های موقتی و غیررسمی یا انجمن-های داوطلبانه برای کارهای خیریه و عمومی دیده می‌شود که می‌تواند پیشرفتی در زندگی اجتماعی این مردم و عاملی برای دور شدن از فرهنگ فقر بشمار آید (لوئیس، ۱۳۵۳).

یکی دیگر از نظریاتی که می‌تواند زندگی حاشیه‌نشینی را تبیین نماید نظریه «تله محرومیت» می‌باشد. چمبرز در این نظریه از پنج خوشه نامساعد نام می‌برد که با یکدیگر در ارتباط بوده و تقویت‌کننده همدیگر هستند و بسان زنجیرهایی به دست و پای افراد فقیر و به تبع آن سکنه حاشیه‌نشین تنیده شده‌اند: ۱- فقر (با معرف‌هایی همچون فقدان دارایی، سرپناه‌های ساخته شده از چوب، گل، خشت، حصیر، وسایل آشپزی ساده، توالت غیربهداشتی، اخذ وام از همسایگان، لباس‌های پاره و مندرس، بهره‌وری پائین، ساعت کار زیاد بخصوص در مورد زنان با کارایی بسیار کم، کار کودکان، یک زندگی بخور و نمیر)، ۲- ضعف جسمانی (نحیف و لاغر بودن اعضای خانواده، بیمار بودن اعضای خانواده بدلیل سوءتغذیه و ابتلاء به بیماری‌های انگلی، ضعیف بودن نوزادان و ... از جمله معرف‌ها و شاخص‌های این خوشه می‌باشد)، ۳- انزوای خانوار (این خوشه شامل معرف‌هایی از قبیل بیگانه بودن خانوار نسبت به دنیای خارج، بی‌اطلاعی از حوادث و اتفاقات پیرامون به دلیل بی‌سوادی، محدود بودن مسافرت‌ها و ... می‌باشد)، ۴- محرومیت و آسیب‌پذیری (این خوشه شامل ناچیز بودن ذخیره‌های غذایی، ناچیز بودن سرمایه-های نقدی خانوار و آسیب‌پذیر بودن در برابر بیماری‌ها) و ۵- بی‌قدرتی خانوار (از جمله معرف‌های این خوشه می‌توان به عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، فقدان قدرت چانه‌زنی، بی‌قدرتی در دسترسی به کمک‌های دولتی و ... اشاره کرد) (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۸-۸۲).

تامس^۱ نخستین چهره برجسته و بنیانگذار مکتب شیکاگو، تحقیقات اجتماعی خود را بر مشکلات شهر شیکاگو به ویژه بر موضوع‌هایی چون مهاجران، زنان، گروه‌های اقلیت قومی، انحرافات اجتماعی و غیره آغاز کرد. تامس از سال ۱۹۱۴ به کمک زنانیسی^۲ به بررسی دهقانان لهستانی در اروپا و آمریکا پرداختند. بدین ترتیب گروهی از مفاهیم را مطرح کردند که مهمترین آنها علاوه بر مفهوم نگرش، دو مفهوم نومییدی و سازمان‌زدایی اجتماعی بود. به زعم آنها این دو مفهوم در پی ارائه تصویری از ذهنیت و روحیه مهاجرانی هستند که تمام پیوندهای حیاتی خود را با چارچوب‌های اجتماعی (روستا) و ملی (لهستان) خود از دست داده‌اند و دچار سردرگمی و نومییدی شده و مستعد انحرافات اجتماعی و سقوط اخلاقی و گرفتار شدن در فقر و تنگدستی هستند. تامس و زنانیسی در اثر خود نشان دادند که در مرحله اول مهاجرت، افراد نسل نخست، با از دست دادن ریشه‌های اخلاقی و تکیه‌گاه‌های اجتماعی خود به شدت ضربه خورده و دچار بی‌ثباتی شخصیتی شده و روی به الکلیسم و انحراف می‌آورند و سرانجام در فقر فرو می‌روند. در حالی که در مرحله بعدی، افراد نسل دوم با از میان رفتن اثرات بی‌ثباتی اخلاقی، وارد عمل شده و گروه‌های جوان خرده‌فرهنگ‌های فعال را تشکیل می‌دهند (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۸۱-۱۸۲).

ویلیام وایت^۳ یکی دیگر از متفکران مکتب شیکاگو در کتاب معروف خود «جامعه کنار خیابان» مدعی است که در محلات حاشیه‌نشین کنترل رسمی چندان کارساز نیست و احتمالاً به پلیس و نمایندگان دولتی هم، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی می‌شود ولی کنترل غیررسمی از طریق گروه‌های سنی، جنسی و قومی اعمال می‌شود. در مرحله فقیرنشین بزهکاری و جرم و جنایت شایع است ولی این اعمال در بسیاری از موارد وسیله‌ای است برای تحرک اجتماعی کسانی که از طریق قانونی نمی‌توانند به ارزش‌های جامعه دست پیدا کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶).

1. W.I.Thomas

2. Florian Znaniecki

3. W. White

از نظر ارنست برگس ما در شهرها شاهد تفاوت‌یابی‌هایی هستیم که گروه‌های مختلف را بوجود آورده‌اند. جدا شدن گروه‌های اجتماعی و اقتصادی از یکدیگر به آنها محلی مشخص در شهر می‌دهد و حاصل این فرایند شخصیت گرفتن پهنه‌های خاصی در شهر است که به همین دلیل افراد و فعالیت‌هایی را به خود جذب یا از خود دفع می‌کنند. افراد بر اساس تقسیم اقتصادی مشاغل، طبقات اجتماعی و گروه‌های فرهنگی در شهر جای می‌گیرند و ممکن است موقعیت برخی از آنها با یکدیگر متعارض باشد. برگس بر آن بود که تحلیل مشکلات شهری از جمله انحرافات اجتماعی و بزهکاری‌های جوانان را باید از خلال تبلورهای فضایی آنها انجام داد (فکوهی، ۱۳۸۵: ۱۸۶-۱۸۸).

روش تحقیق:

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق از نوع پیمایش بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با ۳۷۴ نفر از حاشیه‌نشینان محله جعفرآباد با استفاده از «پرسشنامه محقق ساخته»، مصاحبه شده و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری و تحلیل شده است. همچنین در این تحقیق از روش مشاهده، فیش برداری اطلاعات از اسناد و مدارک، استفاده از نتایج سرشماریها و آمارهای موجود درباره حاشیه‌نشینی در کشور و کرمانشاه، و همچنین تجربه زیسته محققان در حاشیه‌های کرمانشاه استفاده شده است. در نهایت پژوهش حاضر به دنبال اثبات یا رد فرضیه‌های زیر است:

- ۱- به نظر می‌رسد بین سابقه سکونت، سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین متغیر سن و مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین متغیرهای جنس، تحصیلات، سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

یافته‌های توصیفی پژوهش:

ویژگی‌های دموگرافیک پاسخگویان:

بررسی توزیع جنسی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۵۹/۱ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰/۹ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین از نظر توزیع سنی نیز گروه سنی ۲۱-۳۰ سال با ۳۱/۶ درصد بیشترین و گروه سنی ۶۱ به بالا با ۳/۲ درصد کمترین تعداد پاسخگو را شامل شده است. یکی از مشکلات و معضلاتی که همواره دست به گریبان مناطق حاشیه‌نشین است بالا بودن نرخ بیسوادی در این نواحی است. یافته‌های این بررسی نیز مهر تأییدی بر همین مطلب است بطوری که حدود ۶۰ درصد ساکنان جعفرآباد بی‌سواد یا کم‌سواد بوده‌اند که درصد قابل ملاحظه‌ای می‌باشد، و تنها ۱۵/۲ درصد دارای تحصیلات راهنمایی، ۱۹ درصد تحصیلات متوسطه و فقط ۴/۸ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات عالی بوده‌اند که رقم بسیار ناچیزی را به خود اختصاص داده است. ۶۴/۴ پاسخگویان دارای همسر، ۵/۱ درصد پاسخگویان یا همسرشان فوت کرده بوده و یا ازدواجشان منجر به طلاق شده است و ۳۰/۲ درصد پاسخگویان در زمان انجام تحقیق ازدواج نکرده بودند. ساکنان محله از طوایف مختلف لک هستند که در ارتباط خویشاوندی و آشنائی با مهاجران اولیه محله، این محله را برای مهاجرت و اسکان خود در شهر کرمانشاه برگزیده‌اند (خاتم، ۱۳۸۱: ۳۶). یافته‌های این مطالعه نیز نشان‌دهنده آن است که اکثریت (۸۸/۸ درصد) حاشیه‌نشینان این محله لک هستند که از نواحی داخلی استان مانند هرسین و ... بوده‌اند. در رده‌های بعدی قومیت کرد ۹/۶ درصد، فارس با ۵/۵ و در نهایت قومیت لر با ۳/۳ درصد قرار گرفته‌اند.

وضعیت مسکن و تسهیلات آن:

مسکن از شاخص‌های عینی و قابل مشاهده مناطق حاشیه‌ای است که اغلب به دلیل غیراستاندارد بودن، توجه هر ناظری را بخود جلب می‌کند. مسکن حاشیه‌نشینان با مسائلی چون حجم بالای بعد خانوار، تعداد پائین اتاق‌ها، متراژ پائین خانه‌ها و ... روبرو می‌باشند. تراکم بیش از حد افراد در واحدهای مسکونی یکی از ویژگی‌های بارز حاشیه‌ها می‌باشد. بررسی محققان در این زمینه نشان می‌دهد که تنها ۱۶/۸ درصد پاسخگویان در خانه‌های ۴ نفره و کمتر سکونت دارند و حدود ۸۳ درصد آنها در خانه‌های ۵ نفره و بالاتر (تا ۱۲ نفر) زندگی می‌کنند. از بُعد تعداد اتاق نیز یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۵/۵ درصد حاشیه‌نشینان دارای خانه‌هایی با ۲ اتاق و ۴۰/۴ درصد آنها در خانه‌های با ۳ اتاق زندگی می‌کنند (البته ۲ یا ۳ اتاق شامل آشپزخانه،

حمام و ... نیز می‌شود). به عبارت دیگر حدود ۸۶ درصد نمونه مورد بررسی در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که دارای ۲ و ۳ اتاق می‌باشد. و تنها ۸/۱ درصد حاشیه‌نشینان در منازل با ۴ و ۵ اتاق زندگی می‌کنند. توان مالی اندک و مشاغل ناپایدار امکان پس‌اندازهای کافی برای تامین مسکن با مترائ مناسب را از حاشیه‌نشینان سلب می‌کند. بیشتر حاشیه‌نشینان جعفرآباد (۶۵/۵) در خانه‌هایی با مترائ ۵۱ تا ۱۰۰ متر و ۲۵/۹ درصد در خانه‌های زیر ۵۰ متر زندگی می‌کنند؛ به عبارت دیگر حدود ۹۱ درصد آنان مترائ خانه‌هایشان زیر ۱۰۰ متر می‌باشد و حدود ۹ درصد در خانه‌هایی با مترائ ۱۰۰ متر به بالا زندگی می‌کنند. این مهم باید در کنار بُعد خانوار و مناسبات اجتماعی حاکم بر خانوارهای ایرانی مانند حریم‌های بین اعضاء خانوار، الگوهای تربیت و ... تحلیل شود. نکته مهتر کیفیت مسکن در این محلات است که کم دوام و بی‌دوام و فاقد بسیاری از اصول ساخت و ساز شهری هستند. نتایج مطالعه حاضر نیز بیانگر آن است که اگر چه در کل، ساختمان‌ها در مناطق حاشیه در مدت زمان کوتاه و گاهی یک شبه و اغلب از مصالحی با کیفیت پائین و کم دوام ساخته می‌شوند اما نزدیک به دو سوم آنها از تیرآهن (اغلب دست دوم) بعنوان مصالح عمده استفاده نموده‌اند.

یکی دیگر از متغیرهای مهم در زمینه مسکن حاشیه‌نشینان، نحوه تملک زمین و مسکن می‌باشد. در واقع موضوع اساسی‌ایی که برای ساکنان حاشیه مطرح است عدم امنیت در تملک زمین و مسکن در این مناطق است (Viratkapan & et al, 2006). از نقطه نظر مالکیت خانه‌ها، حاشیه‌نشینان را می‌توان به سه طبقه ذیل تقسیم کرد: ۱- حاشیه‌نشینانی که مالک خانه محقر خود می‌باشند اما هرگز زمین خانه را نخریده‌اند بلکه آنرا متصرف شده‌اند. ۲- حاشیه‌نشینان که مالک خانه خود می‌باشند و زمین خانه خود را به قیمت ارزان و بطور رسمی یا غیررسمی و تنها با قولنامه از مالک زمین یا متنفذ محل خریداری کرده‌اند. ۳- حاشیه‌نشینانی که در ابتدای ورود به شهر، اتاقی در بخش حاشیه‌نشین شهر اجاره می‌کنند و به امید روزی که با تهیه پول خانه، بتوانند قطعه زمین کوچکی را در محل خریداری و یا متصرف شده و در آن خانه‌ای جهت خانواده خود بسازند (شکوئی، ۲۵۳۵: ۹-۱۰). در همین راستا بررسی محققان نیز نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد پاسخگویان صاحب منزل مسکونی خود بوده، و حدود ۳۰ درصد نیز بصورت اجاره‌ای در آن مناطق زندگی می‌کنند. مبلغ رهن در این محله نیز از پنجاه هزار تومان تا ۵ میلیون و مبلغ اجاره‌ها نیز از ۲۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در ماه متغیر بوده است. یکی دیگر از ویژگی‌های مسکن در مناطق حاشیه‌نشین، ساخت و سازهای غیرمجاز و خرید و فروش‌های غیررسمی می‌باشد. بررسی نوع سند مالکیت مسکونی نشان می‌دهد که از حدود ۷۰ درصد پاسخگویان که مالک منزل مسکونی خودشان بوده‌اند حدود ۹۷ درصد، دارای سند عادی (قولنامه‌ای) و تنها ۳ درصد آنها واحد مسکونی‌شان دارای سند ثبتی (رسمی) بوده است. بنابراین، از نظر نوع سند مالکیت، واحدهای مسکونی جعفرآباد کرمانشاه عمدتاً غیررسمی و فاقد سند ثبتی می‌باشند و ساکنان بصورت قولنامه‌ای به خرید و فروش واحدهای سکونتگاهی می‌پردازند. این شیوه خرید و فروش زمینه را برای انواعی از کلاهبرداری‌ها و دلالی‌ها فراهم می‌کند.

امکانات منزل و تسهیلات و خدمات محله :

در زمینه امکانات منزل، حدود ۹۶ درصد حاشیه‌نشینان مورد بررسی در منزلشان دارای یخچال، حدود ۸۰/۴ درصد دارای تلویزیون رنگی، ۵۴/۳ درصد دارای دستگاه ویدئو سی‌دی و تنها ۱/۱ درصد خانواده‌ها دارای ماشین لباسشویی بوده‌اند. بنابراین در جعفرآباد کرمانشاه درصد برخورداری از ماشین لباسشویی بسیار کمتر از سایر لوازم زندگی می‌باشد. از نقطه نظر تسهیلات و خدمات محله نیز می‌توان گفت بر خلاف برخی حاشیه‌های معروف در کشورهای چون هند، کنیا که بخش مهمی از خانوارهای ساکن در نقاط حاشیه فاقد بسیاری از امکانات لازم برای خانوارهای شهری هستند، در ایران علیرغم محرومیت از بسیاری تسهیلات و شاخص‌های استاندارد زندگی شهری، بخش قابل توجهی از سکنه از تسهیلات عمومی مانند آب و برق و گاز و تلفن برخوردارند. بررسی امکانات و تسهیلات رفاهی موجود در واحدهای مسکونی مورد بررسی نشان می‌دهد که اغلب حاشیه‌نشینان جعفرآباد از آب لوله‌کشی (۹۹/۴) و برق (۹۹/۷) برخوردارند. علاوه بر این درصد برخورداری از گاز لوله‌کشی (۷۷/۹)، تلفن (۷۴/۹) و حمام (۷۱/۲) درصد بوده است. بنابراین از نقطه نظر متغیر امکانات رفاهی می‌توان گفت که محرومیت در زمینه دستیابی به گاز لوله‌کشی، تلفن و حمام نسبت به آب و برق بیشتر به چشم می‌خورد.

کمبود خدمات شهری یکی دیگر از مشکلات اصلی حاشیه‌نشینان بحساب می‌آید. از آنجا که حاشیه‌ها در مرحله شکل-گیری خارج از محدوده قانونی شهرها هستند و بر اساس برنامه خاصی شکل نگرفته‌اند بنابراین هیچ سازمان یا نهادی هم در این مناطق اقدام به ارائه خدمات و امکانات نمی‌کند. بر اساس بررسی حاضر ۵۵/۳ درصد بیان کرده‌اند که این محله از خدمات تاکسی‌رانی، ۷۲/۸ درصد به وجود مرکز بهداشت و درمان، ۲۷/۸ درصد به وجود پارک و فضای سبز، ۵۵/۷ درصد خط واحد اتوبوس‌رانی، ۱۱/۳ درصد به وجود تلفن عمومی، ۸۲ درصد به جمع‌آوری زباله توسط شهرداری، ۸۰/۸ درصد به وجود دبستان، ۶۳/۷ درصد به وجود مدرسه راهنمایی، ۲۶/۹ درصد به وجود دبیرستان و در نهایت ۲/۸ درصد به وجود ایستگاه آتش نشانی اشاره نموده‌اند.

سیمای اقتصادی سکنه ساکنان جعفرآباد:

مهاجر بودن و نداشتن تجربه کار در شهر و نیز سواد اندک از موانع پایداری شغلی حاشیه‌نشینان است. بررسی ساختار شغلی نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد پاسخگویان مورد بررسی شاغل بوده‌اند. بیشترین فراوانی مشاغل (علاوه بر خانه‌داری برای زنان) به ترتیب کارگری، دستفروشی، مغازه‌داری، نان‌خشکی، واکسی، کلفتی و ... بوده است. نرخ بیکاری پنهان و آشکار در حاشیه‌ها بالاتر و بیشتر از متن شهرها می‌باشد. در این زمینه بررسی‌ها نشان داد که حدود ۲۰ درصد از آنها بیکار بوده‌اند. در بین پاسخگویان شاغل نیز بیش از ۲۸ درصد در یکماه گذشته برای مدتی بیکار نیز بوده‌اند که این امر بی‌ثباتی شغلی حتی شاغلین این مناطق را نشان می‌دهد که همانطوریکه قبلاً بحث شد بیشتر کارگر روزمزد هستند. بنابراین بالطبع باید درآمد نیز پائین باشد. در بین حاشیه‌نشینان جعفرآباد هزینه و درآمد زندگی از زیر ۵۰ هزار تومان تا بیش از ۳۰۰ هزار تومان در ماه در نوسان بوده است. برای بیش از نیمی (۶۲ درصد) بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان در ماه بوده است که این خود معرف فقر شدید در بین ساکنان می‌باشد. در زمینه سیمای اقتصادی یکی دیگر از متغیرهایی که مورد بررسی قرار گرفت ارزیابی مالی و اقتصادی سکنه می‌باشد. در این بررسی ۶۸ درصد وضعیت اقتصادی خود را بد و ضعیف ارزیابی کرده‌اند، ۳۰ درصد معتقد بوده‌اند که وضعیت مالی‌شان در حد متوسط قرار دارد و تنها ۲ درصد گفته‌اند که وضعیت مالی و اقتصادی‌شان خوب می‌باشد. این ارزیابی ناشی از مقایسه با شهرنشینان است و لی در مقایسه با وضعیت قبلی در روستا یا شرایط پیشین نوعی رضایت وجود دارد (نقدی، ۱۳۸۲). در زمینه تغییر وضع مالی پاسخگویان نسبت به قبل از مهاجرت نیز حدود ۳۹ درصد پاسخگویان ابراز کرده‌اند که وضعیت مالی‌شان نسبت به قبل از مهاجرت بدتر شده است، در مقابل ۳۲ درصد معتقد بوده‌اند که وضعیت مالی آنها بهتر شده و ۲۹ درصد نیز بیان کرده‌اند که وضعیت مالی و اقتصادی آنها نسبت به قبل از مهاجرت فرقی نکرده است.

مهاجرت، علل، الگوها و دلایل:

در این بخش ضمن مرور منشأ اجتماعی حاشیه‌نشینان کرمانشاه، علت اصلی مهاجرت از محل قبلی و دوره زمانی مهاجرت به حاشیه‌ها و در نهایت میزان تمایل یا عدم تمایل به بازگشت به مبدأ را بررسی نموده‌ایم. دامنه مهاجرت‌ها در ایران بیشتر داخل استانی است مگر در مورد شهر تهران که از اقصی نقاط کشور می‌باشد. بر اساس یافته‌ها بیشتر حاشیه‌نشین‌های جعفرآباد یعنی (۷۶/۵) از روستاهای استان، ۱۳/۹ درصد از شهرهای اطراف کرمانشاه مهاجرت کرده‌اند، بعبارت دیگر بیشتر مهاجرت درون استانی بوده است. علاوه بر آن سایر حاشیه‌نشینان یعنی (۹/۶) درصد از شهر و روستای استان‌های همجوار (لرستان، همدان و ایلام) به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. همچنین بررسی زمان مهاجرت به شهر کرمانشاه نشان می‌دهد که قسمت عمده و بیشتر مهاجرت‌ها (۴۲/۵ درصد) مربوط به سال ۱۳۶۰- دوره وقوع جنگ- است، سپس دهه‌ی ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ می‌باشد که حدود ۴۰ درصد مهاجران در این دوره به کرمانشاه مهاجرت کرده‌اند و نهایتاً حدود ۷ درصد پاسخگویان نیز بیان کرده‌اند سال مهاجرت‌شان به سال‌های ماقبل ۱۳۵۰ بر می‌گردد. مهاجرت‌های ناشی از تخریب شهر و روستاهای مرزی و کوچ جنگ‌زدگان سبب اصلی بوده است. در زمینه علل مهاجرت می‌توان گفت که اغلب تئوری‌های مهاجرت و تجارب محققان در کشورهای مختلف نشان‌دهنده آن است که تصمیم به مهاجرت بویژه در اشکال اختیاری آن متأثر از دلایل و انگیزه‌های اقتصادی می‌باشد. همچنانکه داده‌ها نشان می‌دهد بیشتر حاشیه‌نشینان یعنی (۵۱/۶) درصد به خاطر بیکاری، ۳۴/۱ درصد بخاطر بی-زمینی ۱/۱ درصد بخاطر خشکسالی به کرمانشاه مهاجرت کرده‌اند بعبارت دیگر مهاجرت آنها بیشتر جنبه اقتصادی داشته

است. علاوه بر آن ۲۰/۳ درصد بخاطر کمبود امکانات، حدود ۱۴/۶ درصد بخاطر نزاع‌های قومی و نامنی و در نهایت ۴/۶ درصد بخاطر مهاجرت دیگر اقوام به کرمانشاه مهاجرت کرده‌اند. (جدول شماره ۱).

جدول ۱- علت اصلی مهاجرت در محله مورد مطالعه

درصد	علت اصلی مهاجرت
۵۱/۶	بی‌کاری
۱/۱	خشکسالی
۷	نزاع‌های قومی
۲۰/۳	کمبود امکانات
۳۴/۱	بی‌زمینی و کم‌زمینی
۷/۶	نامنی
۴/۶	مهاجرت دیگر اقوام

هسته اولیه شکل‌گیری و گسترش اغلب سکونت‌گاه‌های غیررسمی، وابستگی‌های قومی و خویشاوندی می‌باشد و این نوع رابطه سبب ایجاد احساس امنیت و پشتوانه اقتصادی است (افتخاری‌راد، ۱۳۸۲: ۷۶). یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که علت انتخاب کرمانشاه بعنوان مقصد مهاجرت برای ۴۶/۵ درصد وجود اقوام و بستگان، در مرتبه بعد ۳۲/۴ درصد نزدیک بودن شهر کرمانشاه، ۱۲/۶ درصد به علت وجود کار و در نهایت ۸/۵ درصد علت انتخاب کرمانشاه را هم زبان بودن با مردم این شهر ذکر کرده‌اند. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- دلیل انتخاب کرمانشاه بعنوان مقصد مهاجرت

درصد	دلیل انتخاب شهر کرمانشاه
۳۲/۴	نزدیکی
۱۲/۶	وجود کار
۴۶/۵	وجود بستگان
۸/۵	هم‌زبانی

شبکه اجتماعی مهاجران:

مهاجرت با خود انواعی از خطرات و استرس‌ها را به همراه دارد و حتی برخی، از شوک یا تکانه مهاجرت بویژه در سال‌های اولیه صحبت می‌کنند که وجود شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به کاستن از آنها کمک نماید. معمولاً مهاجران روستایی، نزدیک خویشاوندان خود یا نزدیک کسانی که در روستا همسایه آنها بوده‌اند؛ منزل می‌نمایند. از این رو کمربند زمین‌های اشغالی تبدیل به یک زنجیره از آبادی‌های شهری می‌شود که مردم در آنجا دست‌کم می‌توانند بعضی از خصوصیات فرهنگی و شبکه همکاری و پشتیبانی متقابل خود را حفظ کنند (صدیق سروسستانی، ۱۳۷۶). بنابراین زندگی در منطقه زاغه‌ها و بخش حاشیه‌نشین بر پایه تعاون و آشنایی‌ها بوده و همه خویشان و دوستان در یک محل زندگی می‌کنند. (شکوئی، ۲۵۳۵: ۲۸). در این بررسی ۸۱ درصد پاسخگویان در محله خود هم‌ولایتی داشته‌اند. تعداد هم‌ولایتی‌ها از ۱ خانواده تا ۱۲۰ خانواده و با میانگین ۹/۶۶ در نوسان بوده است. در همین زمینه یعنی داشتن فامیل در کرمانشاه تا قبل از مهاجرت حدود ۷۹/۵ درصد بیان کرده‌اند که در محل فامیل داشته‌اند و تنها حدود ۱۷ درصد اظهار کرده‌اند؛ که هیچگونه فامیلی در این محل نداشته‌اند.

میزان رضایت:

الف) رضایت از شهر، محله و شغل:

بطور طبیعی به دلیل شرایط زیست‌حاشیه‌ای انتظار می‌رود میزان رضایت در این مناطق بالا نباشد. یافته‌ها نشان می‌دهد ۳۲ درصد دارای رضایت کم و یا عدم رضایت، ۶۰ درصد رضایت متوسط و تنها ۸ درصد از زندگی در شهر رضایت زیادی داشته‌اند. در خصوص رضایت از محله نیز حدود ۳۹ درصد پاسخگویان رضایت کم و یا هیچگونه رضایتی نداشته‌اند، ۴۳ درصد رضایت متوسط و تنها حدود ۱۷ درصد رضایت زیادی از زندگی در محله خود دارند. محلات حاشیه‌نشین بخاطر وجود افراد

معتاد، ولگرد، قاچاقچی و ... عموماً از سطح امنیت پائینی برخوردار هستند. در این بررسی ۴۶/۸ درصد پاسخگویان از امنیت محله ناراضی بودند، ۳۵/۳ درصد رضایت متوسط و در نهایت ۱۷/۶ درصد رضایت زیادی از امنیت محله داشتند. سنجش میزان رضایت از وضعیت بهداشتی مناطق حاشیه به این دلیل که عموماً از سطح بهداشت پایین‌تری نسبت به متن شهر برخوردارند می‌تواند مهم باشد، ۵۱/۶ درصد از وضعیت بهداشتی محله نا رضایتی یا رضایت پائین، ۴۰/۴ درصد رضایت متوسط و در نهایت ۷/۵ درصد رضایت بالایی داشته‌اند. بعد دیگر، رضایت از کار و شغل افراد است. در مورد متغیر رضایت از شغل یافته‌ها حاکی از آن است که ۵۵ درصد هیچگونه رضایتی و یا رضایت کمی از کار و شغل خود داشته‌اند، ۲۳/۵ درصد رضایت متوسط و فقط ۵/۹ درصد بیان کرده‌اند که رضایت زیادی از کار خود دارند.

ب) رضایت از آمدن به شهر (مهاجرت):

مهاجرت همیشه با موفقیت چشم‌گیر همراه نیست و حتی همچنانکه تودارو نیز مطرح کرده ممکن است به ادامه فقر روستائی در شهر نیز ختم شود با این حال چرا عده زیادی دست به مهاجرت می‌زنند؟ پاسخ احتمالی کسب درآمد بیشتر در شهر نسبت به روستا است و این از دلایل عدم پشیمانی از آمدن به شهر و نیز بی‌میلی آنها به بازگشت به موطن اصلی است^۱. پرویز پیران در بررسی‌هایی که در مورد حاشیه‌نشینی انجام داده یکی از خصوصاتی که برای حاشیه‌نشینان برمی‌شمارد این است که درصد بالایی از ساکنان مناطق آلوده‌نشین، از وضع فعلی خود راضی‌اند و حاضر به بازگشت به روستا نیستند (به نقل از صدیق سروستانی، ۱۳۷۶). همانطور که یافته‌ها نشان می‌دهد ۶۳ درصد حاشیه‌نشینان جعفرآباد نیز هیچگونه تمایلی به بازگشت به مکان قبل از مهاجرت ندارند. این در صورتی است که حدود ۳۹ درصد ابراز کرده‌اند که وضعیت مالی و اقتصادی‌شان نسبت به قبل از مهاجرت بدتر شده است. و نزدیک به ۶۰ درصد معتقد بوده‌اند که در وضعیت اقتصادی بدی قرار دارند. و تنها ۳۷ درصد اظهار تمایل به بازگشت کرده‌اند. در حالیکه در مطالعه دیگر محقق در شهر همدان ۸۷ درصد هیچگونه تمایلی به بازگشت به روستا نداشتند (نقدی، ۱۳۸۴)

ج) رضایتمندی از سازمان‌ها و نهادهای شهری :

در مناطق حاشیه سازمان‌ها و نهادهای بسیاری به ارائه خدمات می‌پردازند. میزان رضایت از عملکرد این سازمان‌ها طیفی از انواع رضایتمندی را در بر می‌گیرد و این امر در برنامه‌ریزی مشارکتی بسیار مهم است. معمولاً مردم محلات حاشیه از سازمان‌هایی مانند شهرداری که برخورد مستقیم با منافع و زندگی آنها همراه هست رضایت بالایی ندارند. برای نمونه در زمینه احساس رضایت از خدمات شهرداری حدود ۵۰ درصد پاسخگویان رضایت کم و یا هیچگونه رضایتی نداشته‌اند، ۴۲/۵ درصد رضایت متوسط و در نهایت فقط ۷/۸ درصد رضایت زیادی از خدمات شهرداری داشته‌اند. علاوه بر خدمات، عملکرد شهرداری نیز مورد سنجش قرار گرفت که نیمی از پاسخگویان (۵۰ درصد) از عملکرد شهرداری یا رضایت کم و یا هیچگونه رضایتی نداشته‌اند، ۴۴/۱ درصد رضایت متوسط و در نهایت ۵/۱ بیان کرده‌اند که رضایت بالایی از عملکرد شهرداری دارند. به دلیل ضریب پائین امنیت اجتماعی در این مناطق رضایت از عملکرد ناجا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد پاسخگویان رضایت کم و یا هیچگونه رضایتی از عملکرد نیروی انتظامی ندارند، ۳۱/۸ درصد رضایت متوسط و در نهایت ۲۷ درصد رضایت زیادی از نیروی انتظامی دارند.

وضعیت بهداشتی محلات حاشیه مناسب نیست: سطح پایین خدمات فیزیکی و تمرکز جمعیت زیاد باعث ایجاد مشکلات بهداشتی برای مهاجرین می‌شود (فیندلی، ۱۳۷۳: ۱۱۱-۱۱۰). در منطقه حاشیه‌نشین معمولاً تعداد درمانگاه و بیمارستانها به حداقل ممکن می‌رسد. حتی اگر تعداد این قبیل مراکز درمانی نیز بیشتر شود افراد زیادی نمی‌توانند از طب جدید مانند واکسیناسیون و غیره استفاده کنند. بررسی احساس رضایت از عملکرد مرکز بهداشت نشان دهنده آن است که حدود ۳۶/۱

۱ - نگارنده در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۱ در جریان بازدید دانشجویان درس جامعه‌شناسی شهری، در کوی فاطمیه شهر زنجان از پیرمردی حدوداً ۶۵ ساله، مهاجر، صاحب یک مغازه کم رونق در پای پل روگذر بین این محله با شهرک شهدا، که از وضع محله اش هم چندان راضی نبود پرسیدم، اگر به ۳۰ قبل برگردی با شناختی که حالا از شهر داری آیا باز هم مهاجرت خواهی کرد، پاسخ پیرمرد این بود: اگر بدانم در شهر از گرسنگی خواهم مرد باز هم به شهر می‌آمدم!

درصد از مرکز بهداشت رضایت کمی و یا هیچگونه رضایتی ندارند، ۴۷/۳ درصد رضایت متوسط و در نهایت ۱۴/۷ ابراز کرده‌اند که رضایت زیادی دارند. در نهایت نیز میزان رضایت مردم از عملکرد آموزش و پرورش سنجیده شد که ۳۵/۳ درصد پاسخگویان ناراضی، ۴۷/۶ رضایت متوسط و تنها ۱۵/۵ از آموزش و پرورش رضایت زیادی داشته‌اند. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- میزان رضایت حاشیه نشینان از زندگی در شهر کرمانشاه

رضایت از	مقیاس			
	کم	متوسط	زیاد	اصلاً بی جواب
زندگی در شهر	۱۵/۸	۵۹/۹	۸/۰	۱۶/۰
زندگی در این محله	۲۱/۴	۴۳/۰	۱۷/۱	۱۷/۹
امنیت در این محله	۳۱/۸	۳۵/۳	۱۷/۶	۱۵/۰
خدمات شهرداری	۳۷/۷	۴۲/۵	۷/۸	۱۱/۸
وضعیت بهداشتی	۳۵/۳	۴۰/۴	۷/۵	۱۶/۳
کار و شغل خود	۱۶/۶	۲۳/۵	۵/۹	۳۸/۵
عملکرد شهرداری	۳۳/۷	۴۴/۱	۵/۱	۱۶/۳
عملکرد ناجا	۲۶/۲	۳۱/۸	۲۷/۰	۱۳/۹
مرکز بهداشت	۲۱/۹	۴۷/۳	۱۴/۷	۱۴/۲
عملکرد آموزش و پرورش	۲۰/۳	۴۷/۶	۱۵/۵	۱۵/۰

حاشیه نشینان چه می‌خواهند؟

ترسیم آینده حاشیه‌ها در گرو شناخت آمال و آرزوهای این مردم است. در این بررسی از پاسخگویان خواسته شد تا مهم‌ترین آرزوی خود را بیان کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که به ترتیب داشتن کار و شغل دائمی، بهتر شدن وضع زندگی، داشتن خانه و مسکن، خوشبختی بچه‌ها، ازدواج و عروسی فرزندان، قبولی در دانشگاه و موفقیت تحصیلی، رفتن به مکه، کربلا و مشهد، سلامتی خانواده، رسیدگی مسئولین به محله، رفتن از این محله و رفتن به جای بهتر، داشتن درآمد خوب، ظهور امام زمان و... مهمترین آرزوی حاشیه‌نشینان بوده است. نکته قابل توجه در این زمینه شباهت بسیار زیاد آرزوهای حاشیه‌نشینان جعفرآباد به نظرات سکنه نواحی حاشیه شهر همدان است و این مؤید ایده جهان چهارم کاستلز می‌باشد.

تعلق و مشارکت در حاشیه‌ها :

یکی از مفاهیم مرتبط با مبحث مشارکت و سرمایه اجتماعی در نظام توسعه شهری، تعلق شهروندی می‌باشد. حاشیه‌نشینان در نظام اجتماعی شهر بطور کامل ادغام نشده‌اند و از این رو به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی‌شوند، یا لاقلاً خود چنین احساسی دارند، همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگی‌های حاشیه‌نشینی همچون پائین بودن سطح سواد و مهارت‌های شغلی، مانع مشارکت مردم این مناطق می‌شود (قبلی، ص ۲۴۶). اما یافته‌های این بررسی خلاف ادعای فوق است که در بسیاری از مطالعات مربوط به حاشیه‌ها مطرح شده است زیرا بیشتر پاسخگویان یعنی حدود ۵۵ درصد پاسخگویان خود را دارای تعلق زیاد، ۳۴ درصد تا حدودی خود را متعلق به شهر می‌دانستند و در نهایت حدود ۷ درصد تعلق کمی داشتند. اما بلافاصله باید اضافه کرد که تفاوت نظر و عمل در اینجا توسط پاسخگویان لحاظ نشده است. تمایل به مشارکت مقدمه درگیر شدن در یک فعالیت است به این دلیل از پاسخگویان پرسیده شد تا چه حد با مشارکت مردم در اداره امور شهر موافق هستند که ۵۳ درصد معتقد بودند مردم باید در اداره امور شهر مشارکت داشته باشند، ۴۷ درصد پاسخگویان نیز معتقد بودند مردم نباید در اداره امور شهر مشارکت داشته باشند و شهرداری و شورای شهر را عهده‌دار امور شهر می‌دانستند. یافته‌های تحقیق در زمینه شرکت در فعالیت‌های جمعی نشان‌دهنده آن است که ۵۳ درصد اظهار نموده‌اند

در فعالیت‌های جمعی مشارکت داشته‌اند و عمده فعالیت‌هایشان به ترتیب در زمینه مسجد و عزاداری، انتخابات، بسیج، مراسم اقوام و راهپیمایی بوده است و ۴۷ درصد معتقد بوده‌اند که هیچگونه مشارکتی در فعالیت‌های جمعی نداشته‌اند.

مشکلات و مسائل حاشیه‌نشینان :

یکی از تعابیر رایج در خصوص حاشیه‌ها اطلاق مناطق مسئله‌دار یا همزادی حاشیه با انواعی از گرفتاری‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی است. برای برنامه‌ریزی و ساماندهی حاشیه‌ها لازم است تا مهم‌ترین مسائل و مشکلات موجود در محلات حاشیه را از دیدگاه خود آنها درک کنیم و بدانیم اولویت آنها چیست؟ در این بررسی مهم‌ترین مسائلی که این حاشیه‌نشینان با آن روبرو بودند به ترتیب عبارت بود از: آسفالت نبودن کوچه‌ها، بیکاری، عدم امنیت و وجود درگیری، فقر و بی‌پولی، کمبود امکانات رفاهی، اعتیاد و وجود زیاد معتاد و فروش مواد مخدر، جمعیت زیاد (شلوغی و ازدحام)، عدم رسیدگی شهرداری، ولگردی زیاد، کمبود بهداشت. این شناخت می‌تواند برای مدیران شهری راهنمای عمل در این محلات باشد.

حاشیه (بستر انواع آسیب‌ها) :

از زمان شکل‌گیری مکتب شیکاگو و تمرکز محققان آن بر مطالعه پتانسیل آسیب‌زایی نواحی حاشیه تا امروز بخشی از مطالعات در این نواحی بر موضوع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی اختصاص یافته است. بزعم آسیب‌شناسان اجتماعی، همه صور و انواع ناهنجاریها و نژندهای اجتماعی چون سرقت، قتل، قمار، قاچاق، خودکشی، فحشاء، اعتیاد، الکلیسم، وندالیسم و نظایر آن چه بمثابه انحراف (کجروی) و چه در زمره بیماری یا اختلال تلقی شوند معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم می‌باشد و این مسائل در مناطق حاشیه‌نشین نمود بیشتری می‌یابد (نقدی و همکاران، ۱۳۸۵).

یکی از دلایل بالا بودن نرخ آسیب‌ها ناهمگونی اجتماعی و فرهنگی ساکنان و عدم شناخت کافی از همدیگر است: همراه با ناهماهنگی‌های فرهنگی و تفاوت در شیوه زندگی روستائیان شهرنشین و گم‌شدگی و تغییر هویت در محیط‌های نامأنوس شهری و نهایتاً توسعه خلاق‌کاری‌ها و بزهکاری‌ها در شهرها رشد فزاینده‌ای پیدا می‌کند. در چنین محیط‌هایی با توجه به محدود بودن ظرفیت امکانات و سازمانهای موجود، میزان کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد و در نتیجه بی‌نظمی و اختلالات مختلف و قانون‌شکنی و بی‌توجهی به ضوابط و در نهایت ناهنجاریهای اجتماعی روز به روز توسعه بیشتری پیدا می‌کند. مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی شهری نشان داده است که زندگی حاشیه‌نشین با افزایش جرم‌زایی رابطه مستقیم و نزدیک دارد. همچنین از بُعد اقتصادی، افزایش مهاجرین غیر ماهر و غیر متخصص، موجب پیدایش بیکاری پنهان و توسعه غالباً غیر ضروری بخش خدمات می‌شود (توسلی، ۱۳۷۹: ۱۳-۱۲). از نظر سیاسی و اجتماعی سرچشمه عمده جرم و جنایت و ناامنی یک شهر را می‌توان در مناطق حاشیه‌نشین و حلی‌آبادها جستجو کرد. محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی این مناطق نسبت به سایر نقاط شهری ارتباط تنگاتنگی با میزان جرم و جنایت این مناطق دارد (هادیزاده بزاز، ۱۳۸۲: ۲۳۶). همچنان که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد آسیب‌های اجتماعی‌ایی چون اعتیاد، فروش مواد مخدر، دعوا و درگیری، ولگردی، بیکاری، و فقر از نظر بیش از نیمی از پاسخگویان، در محله آنان زیاد است. علاوه بر این ۳۲/۹ درصد به زیاد بودن دزدی، ۱۹/۳ درصد به بالا بودن فروش و مصرف مشروبات الکلی اشاره کرده‌اند. اما در مورد فساد و فحشا بیش از ۸۰ درصد پاسخگویان، و در مورد قمار حدود ۸۰ درصد بیان کرده‌اند که این آسیب در محله‌شان کم می‌باشد و یا اصلاً وجود ندارد و تنها حدود ۷ درصد معتقد بوده‌اند که فساد و قمار زیاد است. هرچند باید توجه داشت که این نسبت‌ها شاید به دلیل قبح اجتماعی دچار "کم‌گوئی" شده باشند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- فهرست آسیب‌های موجود در محله مورد مطالعه

مقیاس					آسیب‌ها
بی جواب	اصلاً	زیاد	تا حدودی	کم	
۱/۸	۵/۶	۶۸/۲	۱۳/۶	۱۱/۸	اعتیاد
۱/۶	۱۱/۸	۵۲/۱	۲۲/۷	۱۱/۸	فروش مواد مخدر
۱/۸	۱۲/۶	۳۲/۹	۳۲/۶	۲۱/۱	دزدی
۱/۵	۳۴/۸	۶/۴	۱۱/۵	۴۶/۸	فساد و فحشا
	۷/۸	۵۴/۸	۲۴/۹	۱۲/۶	دعوا و درگیری
۱/۸	۸/۰	۶۱/۲	۲۱/۴	۸/۳	ولگردی
۲/۴	۲۵/۷	۱۹/۳	۱۴/۲	۳۸/۵	فروش و مصرف مشروبات الکلی
۱/۳	۱/۸	۹۵/۵	۱/۲	۱/۳	بیکاری
۱/۸	۱/۱	۹۰/۴	۶/۱	۱/۶	فقر
۱/۳	۴۸/۷	۶/۷	۱۱/۸	۳۰/۷	قمار

یافته‌های استنباطی:

در این بخش فرضیات تحقیق با آزمون‌های معتبر آماری مورد سنجش قرار خواهد گرفت.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین سابقه سکونت، سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد: این فرضیه خود از دو فرضیه فرعی تشکیل شده است: الف) بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که همبستگی منفی و ضعیفی (۰/۰۴-) بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته رضایت کمتری از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند نسبت به کسانی که سابقه سکونت کمتری داشته‌اند. اما از آنجا که سطح معنی‌داری محاسبه شده (Sig=0.35) بزرگتر از آلفای تحقیق ($\alpha=0.05$) می‌باشد لذا فرض تحقیق رد و فرض صفر پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر همبستگی بین متغیرها معنی‌دار نمی‌باشد. ب) بین سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی رابطه وجود دارد. سنجش این فرضیه بیانگر رابطه مثبت و ضعیف (۰/۱۱) بین سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی است. به عبارت دیگر مسن‌ترها رضایت بیشتری نسبت به جوان‌ترها از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند. با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده (Sig=0.02) لذا فرض تحقیق پذیرفته می‌شود و رابطه بین متغیرها معنی‌دار می‌باشد. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- ضریب همبستگی سابقه سکونت و سن با رضایت از عملکرد نهادهای رسمی

رضایت از عملکرد نهادهای رسمی		شرح
Sig	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۳۵	-۰/۰۴	سابقه سکونت
۰/۰۲	۰/۱۱	سن

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین سن با مشارکت اجتماعی و تعلق شهروندی رابطه وجود دارد: این فرضیه نیز در برگزیده دو فرضیه فرعی است: الف) بین سن و مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. یافته‌ها در این زمینه بیانگر همبستگی مثبت و ضعیف (۰/۱۱) بین سن و مشارکت اجتماعی است. به عبارت دیگر مسن‌ترها مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به جوان‌ترها داشته‌اند. با توجه به سطح معنی‌داری محاسبه شده (Sig=0.02) لذا فرض تحقیق پذیرفته می‌شود بنابراین رابطه بین متغیرها معنی‌دار می‌باشد. ب) بین سن و تعلق شهروندی رابطه وجود دارد. برای سنجش این فرضیه از آزمون F استفاده

گردید. نتایج حاصله از تحلیل واریانس برابر با ($F=973$) شده است. از آنجا که سطح معنی‌داری به دست آمده ($Sig=0.52$) بزرگتر از ($\alpha=0.05$) می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت این تفاوت معنی‌دار نیست و فرض تحقیق رد می‌شود. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- آزمون ANOVA

Sig	F	Df	شرح
۰/۵۲۹	۰/۹۷۳	۵۰	بین گروهی
		۳۰۴	درون گروهی

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین جنس، تحصیلات، سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد: الف) بین جنس و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. تفاوت میانگین نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی بر حسب جنس را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود در زمینه اثرگذاری جنس بر نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی مقدار F معنی‌دار نیست به این معنی که نمی‌توان واریانس‌های دو گروه را برابر فرض کرد. همچنین مقدار T بدست آمده نیز معنی‌دار نمی‌باشد. در نتیجه می‌توان بیان کرد که بین زنان و مردان در نمونه مورد بررسی از لحاظ نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- مقایسه میانگین نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی بر حسب جنس

Sig	t	Df	Sig	F	میانگین	متغیر
۰/۷۳	۰/۳۴۳	۳۶۸	۰/۴۷	۰/۵۰۳	۰/۲۹۹	جنس مرد
					۰/۲۹۹	زن

ب) بین تحصیلات و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. برای سنجش این فرضیه از آزمون F استفاده گردید. نتایج حاصله از تحلیل واریانس برابر با ($F=2/548$) شده است. از آنجا که سطح معنی‌داری به دست آمده ($Sig=0.03$) کوچکتر از ($\alpha=0.05$) می‌باشد، بنابراین می‌توان گفت این تفاوت معنی‌دار است به عبارت دیگر نگرش به وجود آسیب اجتماعی بر حسب سطح تحصیلات تفاوت دارد یعنی پاسخگویی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند نگرش آنها به وجود آسیب‌های اجتماعی متفاوت از کسانی است که دارای سطح تحصیلات پایین‌تری هستند.

ج) بین سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بر اساس این آزمون ضریب همبستگی بدست آمده (0.2) درصد می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و ضعیفی بین سابقه سکونت و نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر کسانی که سابقه سکونت بیشتری در محله داشته‌اند معتقد بوده‌اند که نرخ آسیب‌های اجتماعی در محله زیاد می‌باشد نسبت به کسانی که سابقه کمتری داشته‌اند. اما از آنجا که سطح معنی‌داری محاسبه شده ($Sig=0.60$) بزرگتر از آلفای تحقیق ($\alpha=0.05$) می‌باشد لذا فرض تحقیق رد و نمی‌توان نتیجه را به کل جامعه تعمیم داد.

نتیجه‌گیری:

پس از رشد انفجاری شهر تهران که از دهه ۴۰ شروع و تاکنون ادامه یافته، شهرهای دیگر کشور نیز به تناسب موقعیت و پتانسیل‌های توسعه و رخدادهای خاص، تجربه رشد شتابان و بادکنکی را لمس کرده‌اند. به همین‌سان رشد شهری در کرمانشاه نیز طی ۵۰ سال اخیر چشم‌گیر بوده است که بخش قابل توجهی از آن معلول مهاجرت‌های روستا-شهری و شهر به شهر در داخل این استان و به میزان کمتری از سایر استان بوده است. محلات حاشیه شهر کرمانشاه فهرست بالائی را تشکیل می‌دهد و جمعیت قابل توجهی از شهر نیز در این نواحی سکونت دارد. جعفرآباد را همه مردم شهر بعنوان بافتی مسئله‌دار از نظر کالبدی، اقتصادی و اجتماعی می‌شناسند. حاشیه‌نشینان کرمانشاه بر خلاف همدان یا تهران و کرج و قم عموماً از نواحی داخل استان (۹۰/۴ درصد) و مناطق شرقی مانند هرسین به این شهر مهاجرت کرده‌اند. از نظر توزیع سنی بیشترین نسبت (۳۱/۶ درصد) در بازه سنی ۲۱-۳۰ قرار داشتند. نرخ آسیب‌های اجتماعی در نقاط حاشیه کرمانشاه وسیع‌تر از شهرهای همجوار است. میزان

رضایت از زندگی در سطح متوسط و بیشترین رضایت از سازمانها و نهادهای در درجه اول آموزش و پرورش و سپس بهداشت بوده است. شرکت در فعالیتهای جمعی در حد بالایی است (بیش از ۵۰ درصد) و مهمترین مشکلات شامل آسفالت کردن معابر، ولگردی و اعتیاد در محله است. مهاجرت‌ها اغلب در قالب شبکه خویشاوندی و تبعی صورت گرفته و عموماً از اقوام لک می‌باشند. علل مهاجرت نیز در درجه اول درآمد و محدودیتهای موجود در منطقه مبدأ بوده است. درآمد و هزینه‌ها پائین است؛ مشاغل عمدتاً ناپدار و کم درآمد و درآمد خانوار عموماً صرفاً نیازهای اولیه برای بقا می‌شود. ۶۸ درصد مردم وضعیت خود را از نظر اقتصادی بد ارزیابی می‌کنند. کمبود خدمات شهری یکی از مشکلات اصلی حاشیه‌نشینان بحساب می‌آید اما با آنکه این محله بسیار محروم است از نظر بافت سکنه بیش از ۷۰ درصد خانوارها از اغلب خدمات مانند آب و برق و گاز برخوردارند. بر اساس یافته‌های استنباطی تحقیق نیز بین سابقه سکونت و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی همبستگی منفی و ضعیفی وجود داشت اما معنی‌دار نبود. یافته‌ها در زمینه رابطه بین سن و رضایت از عملکرد نهادهای رسمی نشان‌دهنده آن بود که مسن‌ترها رضایت بیشتری نسبت به جوان‌ترها از عملکرد نهادهای رسمی داشته‌اند. در مورد فرضیه سوم نیز بین زنان و مردان در نمونه مورد بررسی از لحاظ نگرش به وجود آسیب‌های اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود نداشت اما نگرش به وجود آسیب اجتماعی بر حسب سطح تحصیلات تفاوت وجود داشت یعنی پاسخگویانی که از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند نگرش آنها به وجود آسیب‌های اجتماعی متفاوت از کسانی است که دارای سطح تحصیلات پائین‌تری هستند.

منابع:

۱. احمدی، حبیب و محمدتقی ایمان (۱۳۸۴): «فرهنگ فقر، حاشیه‌نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه‌نشین ده‌پایله شیراز در سال ۱۳۸۳»، مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۹، صص ۹۹-۱۱۸.
۲. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴): جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تهران.
۳. افتخاری‌راد، زهرا (۱۳۸۲): «چهره‌نمایی بافت‌های اسکان غیررسمی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن»، مجموعه مقالات درحاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹): جامعه‌شناسی شهری، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم، تهران.
۵. خاتم، اعظم (۱۳۸۱): «سهم مردم، سهم دولت، در طرح‌های توانمندسازی و بهسازی محله (تجربه جعفرآباد کرمانشاه)»، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰، تهران.
۶. حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲): «حاشیه‌نشینی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)»، فصلنامه شهر، سال سوم، شماره ۸، صص ۲۴-۱۱.
۷. ربانی، رسول و جواد افشارکهن (۱۳۸۱): «حاشیه‌نشینی، مشارکت و مسائل اجتماعی شهری؛ مطالعه موردی منطقه ارزنان اصفهان در سال ۱۳۸۰»، فرهنگ اصفهان، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۸۹-۱۰۱.
۸. زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۳۶۹): حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول، شیراز.
۹. زاهد زاهدانی، سید سعید و زهره آذرگون (۱۳۸۷): «بررسی تطبیقی تفاوت فرهنگ حاشیه‌نشین و غیرحاشیه‌نشین و عوامل مؤثر بر آن؛ مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال مناطق یک و پنج شهر شیراز»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال سوم، شماره ۵، تهران، صص ۲۶-۵.
۱۰. زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۱): مهاجرت، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
۱۱. شکوئی، حسین (۲۵۳۵): جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ اول، تبریز.
۱۲. شیخی، محمد (۱۳۸۱): «روند گذار و ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی کانون‌های جمعیتی خودرو با تکیه بر موردپژوهشی اسلام‌شهر، اکبرآباد (نسیم شهر) سلطان‌آباد (گلستان)»، فصلنامه رفاه. سال دوم، شماره ۶، صص ۱۹۹-۲۲۱.
۱۳. صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۷۶): حاشیه‌نشینی و امنیت»، مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، جلد دوم، وزارت کشور، تهران.

۱۴. فکوهی، ناصر، (۱۳۸۵): انسان‌شناسی شهری، نشر نی، چاپ اول، تهران.
۱۵. فیندلی، سلی (۱۳۷۳): برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده، انتشارات نوید، شیراز.
۱۶. لوئیس، اسکار، (۱۳۵۳): فرهنگ فقر، ترجمه: مهدی ثریا، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، تهران.
۱۷. نقدی، اسداله (۱۳۸۵): «حاشیه‌نشینی چالشی فراروی توسعه پایدار شهری (با تاکید بر شهر همدان)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، تهران، صص ۲۳۳-۲۱۳.
۱۸. نقدی، اسداله (۱۳۸۶): حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی همدان، نشر فن‌آوران، چاپ چهارم، همدان.
۱۹. نقدی، اسداله و صادق زارع (۱۳۸۹): جهان چهارم ایرانی - سیمای «زیست حاشیه‌ای» و «مسائل شهری» در همدان، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران و برخی راه‌چاره‌ها، دوره ۱، شماره ۳.
۲۰. هادیزاده، مریم (۱۳۸۲): حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، مشهد: شهرداری مشهد: تیهو.
۲۱. هرینگتون، مایکل، (۲۵۳۶): آمریکای دیگر (فقر در ایالات متحده). ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ دوم، تهران، نشر شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.
22. Chowdhury, Farhat. Jahan and A.T.M. Nurul, Amin. (2006): Environmental assessment in slum, improvement programs: Some evidence from a study on infrastructure projects in two Dhaka slums. *Environmental Impact Assessment Review* 26, pp 530– 552.
23. Eldering, L. Knorth, J. E. (2007): Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience. *Journal of Child and Youth Care Forum*, Vol. 27: No. 3, pp. 153-169.
24. HABITAT, UN. (2003): THE Challenges of SLUMS: global report on human settlements, 2003/ United Nations Human Settlements Programme. First published in the UK and USA in 2003 by Earthscan Publications Ltd.
25. HABITAT, UN. (2009): Annual report 2009 / United Nations Human Settlements Programme.
26. Martinez, Javier, Gora Mboubp, Richard Sliuzasa and Alfred Steina. (2008): Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2003. *Habitat International*, Vol 32, pp 86–108.

• از آقای وحید صیادی بخاطر مشارکت در جمع‌آوری داده‌های میدانی تشکر صمیمانه می‌نمائیم.